

متن پرسش

این طور که بنده فهمیدم در زمان یونان باستان و بعد از ارسطو، عقل مدرن و ابزاری از عقل قدسی جدا میشه. سوالم اینه که چطور عقل میتونه تحت تسلط وحی قرار بگیره. بنده در ذهنم این طور شکل گرفته که عقل ذاتا منقطع از وحی هست ولی به صورت پسینی (نه پیشینی) میشه با وحی محدود و هدایتش کرد و.... نه این که عقل تحت ولایت و تسلط وحی دربیاد. اصن اگه شرع و وحی بر عقل حکومت و ولایت داشته باشه که دور به وجود میاد. چون که ما دین رو با عقل اثبات می کنیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در ابتدای امر دین، با عقل ما با ما سخن می گوید و عقل متوجهی جایگاه متعالی وحی می شود و می فهمد که اشارات وحی، بالاتر از مفاهیم عقل است و لذا تا آخر، نظر به اشارات وحی دارد، بدون آن که بخواهد همه ی ابعاد وحی را در سیطره ی خود قرار دهد □ این یک نوع، بی ادبی عقل است نسبت به وحی - علاوه بر این وقتی دین الهی بر اساس قلب در جان انسان شکل گرفت، انسان منور به عقلی می شود که با اشارات قلب جلو می رود که این همان، عقلِ قدسی نبوی است که قرآن در آیه ی ۴۶ سوره ی حج بدان اشاره دارد آن جا که می فرماید: «قُلُوبٌ یَعْقُلُونَ بِهَا» قلب هایی که بدان تعقل می کنند. موفق باشید